



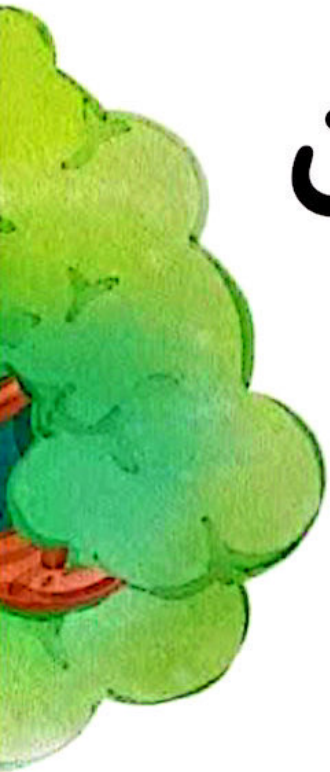
پایه چهارم، شماره ۳

علوی

# گنجینه تابستان

این قصه:

بخشش



در دل یک بیشه‌ی سرسبز و آرام، شیر بزرگی در سایه‌ی درختان تنومند، غرق در خوابی سنگین بود. نفس‌های عمیقش زمین را می‌لرزاند و صدای آرامش‌بخش خوابش در فضای بیشه پیچیده بود. همه چیز آرام و بی‌هیاهو بود، جز یک موش



کوچولو که آرام و بی‌صدا، میان بوته‌ها می‌دوید و به دنبال فرصتی برای بازی و شیطنت بود.

این موش کوچک، کنجکاو و پرانرژی، ناگهان به نزدیک شیر خواب‌آلود آمد و بی‌اختیار دم شیر را به نرمی گرفت و کشید. شیر که در خواب عمیق خود بود، ناگهان با حرکتی سریع از جا پرید و چشمانش را باز کرد. اما موش کوچک، نه تنها از بازی خود دست نکشید، بلکه بازی را ادامه داد و این بار با پنجه‌های کوچک و چابکش به دور گوش‌های شیر پرید و آن‌ها را گاز گرفت.

شیر که از خواب بیدار شده بود، ابتدا از دست این موش بازیگوش عصبانی شد. دست دراز کرد و موش را گرفت؛ پنجه‌های بزرگ و قدرتمندش آماده بود تا آن موش را تنبیه کند. اما موش، که از ترس به لرزه افتاده بود، شروع کرد به گریه و التماس.



دای شیر بزرگ و نیرومند! من تنها یک موش کوچک و ضعیفم. تو شاه جنگل‌ها هستی و من در برابر تو هیچم. به من رحم کن!

شیر که از این سخنان نرم شده بود، لحظه‌ای تأمل کرد. به یاد آورد که حتی بزرگان باید گاهی بخشنده باشند. پنجه‌های خود را باز کرد و موش را رها نمود. چند روز بعد، همان شیر قدرتمند که حالا آزاد و سر حال بود، گرفتار دام یک صیاد ماهر شد. صیاد، به دنبال شکار گرگ بود اما ناخواسته شیر را به دام انداخت. شیر که نمی‌توانست خود را آزاد کند، در تله‌ای سخت و محکم گرفتار شده بود و فریاد کمک سر می‌داد.



موش کوچک وقتی فهمید که شیر گرفتار شده، بلافاصله به سمت تله دوید. با دندان‌های تیز خود شروع کرد به جویدن بندها و طناب‌های محکم دام. موش به سختی کار کرد و پس از تلاش بسیار، بندها پاره شدند و شیر آزاد شد.

شیر از این که نجات یافته بود، به شدت خوشحال شد. فهمید که بزرگی و قدرت همیشه تضمین نجات نیست؛ گاهی یک موجود کوچک و ظریف می‌تواند جان بزرگ‌ترین موجود را نجات دهد.

فرزندم به سوالات زیر پاسخ بده.

(۱) شیر در ابتدای داستان چگونه بود؟

پاسخ:

(۲) موش چگونه شیر را نجات داد؟

پاسخ:

(۳) جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کن.

(الف) شیر در ..... خوابیده بود و صدای نفس‌های عمیقش در فضا پیچیده بود.

(ب) موش با دندان‌های ..... طناب‌های دام را برید.

(۴) صحیح و غلط بودن جمله زیر را مشخص کن.

شیر پس از بیدار شدن، موش را بلعید چون عصبانی بود.

(۵) چرا موش به شیر التماس کرد؟

پاسخ:

(۶) شیر پس از شنیدن حرف‌های موش چه کرد؟

پاسخ:

(۷) چه درسی می‌توان از این داستان گرفت؟

پاسخ:

(۸) نام دیگری برای داستان انتخاب کنید.

پاسخ: